شهید محمود نجاتی

از تبار رئیس علی

سامانه جامع سرداران و دو هزار شهید استان بوشهر

نام پدر	حسن
تاریخ تولد	۱۳۳۷/۰۶/۰۱
محل تولد	بوشهر – دشتستان
تاریخ شهادت	۱۳۶۰/۰۹/۲۵
محل شهادت	گیلانغرب
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	–
تحصیلات	بی سواد
مدفن	سربست

زندگینامه

شهید محمود نجاتی فرزند حسن در سال ۱۳۳۷ در روستای سربست از توابع شعرستان دشتستان دیده به جهان گشود در خانواده کاملاً مذهبی و متوسط از لحاظ مالی او را بر آن داشت که در همان اوان کودکی و نوجوانی در کنار پدر به کار و فعالیت بپردازد ایشان از ابتدا شغل شبانی را انتخاب کردند و شغلی که اکثر پیامبران و رهبران الهی ما آن را به عنوان سند افتخار خود برگزیده بودند و به دلیل در آمد کم آن و هزینه زندگی جهت ادامه کار در شرکت تسا دربوشهر به کارگری مشغول شد اخلاق و رفتار پسندیده ایشان در محیط کار باعث شد که روزانه عده ی زیادی از کارگران هنگام استراحت دور او جمع شده و به مصاحبت با او بپردازند دوران سربازی شهید مصادف شد با ایام انقلاب و راهپیمائیهای مردم در شهرها و بخشهای کشور، شهید در همان اوائل تظاهرات با سرپیچی از فرمان فرماندهان اسلحه را انداخته و به جمع مردم پیوستند و از پادگانها فرار نمودند تا زمانیکه انقلاب به پیروزی رسید و حضرت امام دستور دادند که سربازان باید به پادگانها برگردند ایشان دوباره به محل خدمت برگشتند و خدمت مقدس سربازی را به اتمام رسایدند وی سپس در بنیاد مسکن انقلاب اسلامی به خدمت مشغول شدند با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران ایشان به جبهه های نبرد حق علیه باطل شتافتند و در کنار دیگر همرزمان بسیجی به دفاع از سر حدات کشور پرداختند تا اینکه در عملیات الله اکبر در گیلانغرب با رشادت تمام به شهادت نائل آمدند و جسد ایشان حدود ۹ ماه در آن منطقه و بین نیروهای ایرانی و عراقی در بیابان افتاده بود که با پیشروی سپاه اسلام و آزاد سازی منطقه به زادگاهش برگردانده شد و بر اساس اطلاع دژخیمان بعثی سر شهید را همچون سر سرور شهیدان از بدن جدا کرده بودند.

وصیت نامه

وصیت نامه شهید محمود نجاتی

ای عزیزان از شما می خواهم زمانی که مرا یاد می کنید با خوشحالی و رضایت مرا یاد کنید . پدر و مادر عزیزم من این راه را خودم انتخاب کردم . دیگر منتظر من نباشید چرا که ما امانت خدائیم مادر جان خالصانه ترین درودهایم بر تو که بالاخره بر احساس پاک مادرانه ات پیروز می شوی و صبر می کنی . پدر عزیز و مادر مهربانم ، برادران و خواهران محبوبم هر موقع به یاد من افتادید در همان لحظه کربلای حسین (ع) را بیاد آورید که در آن زمان با کافران و ستمگران برای پا برجا ماندن اسلام و آزادی تمام مسلمانان از زیر سلطه یزید جنایتکار چگونه جان خود و فرزندان عزیزش را دو دستی تقدیم حقتعالی نموده و بدانید که بهترین لحظه مردن لحظه شهادت من است آن لحظه که اولین ضربه را می زنیم یا می خوریم .

سرباز کوچک اسلام و امام محمود نجاتی

از تبار رئیس علی

سامانه جامع سرداران و دو هزار شهید استان بوشهر